



پیام باستان‌شناسی

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۷، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



بازخوانی بینامتنی ساختار فرمی شهرسازی اشکانی با تأکید بر ابعاد شناخت‌شناسی

ثنا قربانی^۱، لیدا بلیلان^۲، المیرا نوبخت^۳

۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲ دانشیار، گروه معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: balilanlida@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰	
واژگان کلیدی: ساختار فرم‌های شهر دوره اشکانی بینامتنیت معماری تکوین فضایی شهرسازی اشکانی پیش‌متن و پسا‌متن	در تاریخ شهرسازی ایران، دوره اشکانی نقطه تکوین، الگویی فضایی مستقل است که میان نظام تشریفاتی-شاهی هخامنشی و ساختار آیینی-تمرکزگرای ساسانی قرار می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش، شناخت عمیق فرم‌های شهری ایران در دوره اشکانی از طریق تحلیل ابعاد شناخت با رویکرد بینامتنی و نمود این ابعاد در فرم شهری می‌باشد. در راستای شناخت جامع شهرسازی این دوره در ابتدا به واکاوی گفتمان فضایی دوره هخامنشی و سلوکی که به‌عنوان پیش‌متن دوره اشکانی می‌باشد، می‌پردازیم. سپس به تحلیل ابعاد شناخت دوره اشکانی بعنوان متن که در شهرسازی پرداخته و در نهایت به تحلیل فرم شهرسازی دوره ساسانی بعنوان پسا‌متن پرداخته‌ایم. پژوهش حاضر از نوع کیفی و بر پایه روش تحلیل بینامتنی، ابعاد شناخت موجود داده‌های باستان‌شناسی و پلان‌های شهری به بازخوانی چگونگی شکل‌گیری نظام شهرسازی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شهرهای اشکانی برخلاف الگوی کاخ محور پیشین، بر اساس چند کانونی بودن، عملکردگرایی و ترکیب کاربری‌ها سازمان یافته‌اند. نقش جاده ابریشم به‌عنوان شریان اصلی و تمدنی در پیوند فضایی این شهرها با شبکه بین‌المللی، نقشی کلیدی ایفا کرده است. در مجموع، شهرسازی اشکانی الگویی بومی و پویا، نقطه زایش اندیشه فضایی تلفیقی و زمینه‌مند محسوب می‌شود؛ الگویی که نه تقلید صرف از پیشینیان است و نه گسست کامل، بلکه تداومی خلاق در منظومه شهر ایرانی است. دوره اشکانی در تطور شهرسازی ایرانی، نقشی کلیدی در گذار از ساختارهای سلطنت محور و مرکزگرای هخامنشی به الگوهای فضایی بومی، چندمرکزی و عملکردگرا ایفا کرد. با اتکا به رویکرد بینامتنیت، ساختار فضایی این دوره نه تنها به‌مثابه حلقه واسط میان پیش‌متن هخامنشی سلوکی و پسا‌متن ساسانی عملکرد، بلکه بازآفرینی خلاق از فرم، معنا و کارکرد را در کالبد شهر رقم زد. نمودهای فرمی چون چیدمان مدور، سازمان ارگانیک، و لایه‌بندی عملکردی گواهی بر شکل‌گیری گفتمانی نو در شهرسازی ایران پیش از اسلام‌اند.

* استناد: قربانی، ثنا، بلیلان، لیدا، نوبخت، المیرا (۱۴۰۴). بازخوانی بینامتنی ساختار فرمی شهرسازی اشکانی با تأکید بر ابعاد شناخت‌شناسی. پیام

باستان‌شناسی، ۱۷(۳۳)، ۶۵-۸۵.

۱. مقدمه

(Hauser, 2013). این ترکیب، به تکوین گفتمان فضایی‌ای

منجر شد که زمینه‌ساز معماری صورت‌گرفته است:
 ۱- چگونه می‌توان از طریق تحلیل بینامتنی^۳، ساختار شهرسازی ایران در دوران اشکانی را بر اساس ابعاد شناختی مختلف این دوره بازخوانی و تفسیر کرد؟
 ۲- چگونه شهرسازی ایران در دوره اشکانی در میانه گفتمان‌های فضایی هخامنشی (پیش‌متن)^۴ شکل گرفته و چه عناصری از ساختار فضایی دوره هخامنشی اقتباس و به دوره ساسانی (پسا‌متن)^۵ منتقل شده است؟

اغلب پژوهش‌ها در زمینه شهرسازی اشکانی یا به توصیف آثار محدود شده‌اند، یا فاقد نگاه ترکیبی به نسبت این دوره با نظام‌های فضایی پیش و پس از آن هستند. مقاله حاضر، با رویکردی شناخت‌شناسانه و بینامتنی، در پی آن است که ساختار فرمی شهرسازی این دوره را از منظر تبارشناسی اندیشه فضایی ایرانی بررسی کرده و جایگاه آن را در منظومه شهر ایرانی تحلیل کن.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی از نوع شناخت بر پایه روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد بینامتنی می‌باشد. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، متون تاریخی، نقشه‌ها، تصاویر گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه بینامتنی که در آن، شواهد فضایی و معمارانه، نه به صورت منفرد، بلکه در تعامل با لایه‌های مختلف دینی، سیاسی، اقتصادی و... در طول تاریخ بازخوانی می‌شوند صورت می‌گیرد. تا روند تکوین نظام فضایی شهر ایرانی با محوریت اشکانیان بازسازی شود.

در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، فضا نه تنها پدیده‌ای کالبدی، بلکه واجد مفاهیم فرهنگی، سیاسی و... است که در بستر زمان شکل گرفته‌اند. هر دوره تاریخی، صورت‌بندی خاص خود از فضا را متناسب با منطبق قدرت، نظام معرفت و روابط اجتماعی خلق کرده است (Norberg-Schulz, 1980; Lefebvre, 1991). در این میان، دوره اشکانی به‌رغم گستردگی جغرافیایی، تنوع فرهنگی و حضور در مرکز تعاملات فراملی، در گفتمان تاریخ معماری ایران غالباً در سایه دو امپراتوری بزرگ پیش و پس از خود، یعنی هخامنشی و ساسانی، قرار گرفته و کمتر با رویکردی تبارشناسانه و فضا محور واکاوی شده است (Curtis, 2007; Rezakhani, 2017; Hauser, 2013). جایگاه شهرسازی اشکانی، نه تنها در پیوند کالبدی با فضاهای پیشین، بلکه در خلق مفاهیمی نوین چون سازمان فضایی غیرمحورمند، بومی‌گرایی، بازارمحوری عملکردی و تساهل فضایی-مذهبی اهمیت دارد (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Keshavarz Rahbar, 2024). شهرهایی چون نسا، صدروزه^۱، تیسفون، مرو و هترا، نه فقط ساختارهای شهری مرکب و انعطاف‌پذیر ارائه می‌دهند، بلکه بازتاب‌دهنده جهان‌بینی هستند که در آن، فضا به‌عنوان عرصه‌ای برای تبادل فرهنگی، عملکرد چندمنظوره و ادغام هویت‌های متنوع بازخوانی می‌شود (Farrokh, 2007; Hansen, 2012). ساختار شهری در این دوره، از یک‌سو متأثر از الگوهای بومی و سنت‌های هخامنشی است، و از سوی دیگر، در مواجهه با هلنیسم^۲ و حضور در شبکه جاده ابریشم، به فرم‌هایی از تطبیق‌پذیری معماری، تلفیق سبک‌ها و نهادینه‌سازی انعطاف فضایی انجامیده است.

3 Intertextuality

مفهومی در نقد ادبی و مطالعات فرهنگی که به پیوندها و ارجاعات متون به یکدیگر در سطوح مختلف معنایی اشاره دارد.

4 Pre-textual context

متن یا بستر پیشین که زمینه شکل‌گیری متن اصلی را فراهم می‌نماید.

5 Post-textual context

متنی که پس از متن اصلی شکل می‌گیرد و از آن تأثیر می‌پذیرد یا آن را باز تفسیر می‌کند.

1 Hecatompylos

پایتخت اشکانیان در قرون اولیه حکومت، واقع در دامغان امروزی ایران، که به دلیل داشتن دروازه‌های متعدد به این نام شهرت یافته است.

2 Hellenism

دوره و جریان فرهنگی - هنری ناشی از گسترش نفوذ فرهنگ یونانی پس از فتوحات اسکندر مقدونی، که ترکیبی از عناصر یونانی با فرهنگ‌های محلی ایجاد کرد.

۳. پیشینه پژوهش

۳ (۲۰۲۱) درباره نقش کاروان‌سراها و افخمی و همکاران (۱۳۹۷) درباره راه ابریشم، بر مؤلفه‌های اقتصادی و شبکه‌ای شهرهای اشکانی تأکید دارند.

ب) مطالعات مرتبط با متغیر «معماری» ایران در دوره اشکانی (ساختار، عناصر شاخص، فناوری و معنا): در حوزه معماری، آثار گرشاسبی (۱۳۹۹) و به بررسی فناوری‌های ساخت؛ مانند ملات گچ و سازمان فضایی فرم‌های مدور شهری پرداخته‌اند. هافر (۲۰۱۳)، معماری مذهبی شهر هترا را با تأکید بر ایوان، گنبد و حیاط مرکزی تحلیل کرده و پیوند آن با سنت‌های بومی و تأثیرات یونانی-رومی را برجسته کرده است. تحلیل معنایی نمونه‌های شاخص معماری، مانند هترا توسط بهرامیان (۲۰۱۹)^{۱۴}، تیسفون توسط هاف (۱۹۹۰) و نسا توسط ویلکنسن (۲۰۱۴)، با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری مانند «تولید فضا» لفور (۱۹۹۱)^{۱۵} و نور برگ - شولز (۱۹۸۰)^{۱۶} افق‌های تازه‌ای در درک معنا و تجربه فضایی معماری اشکانی گشوده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی چون استیونز (۲۰۲۲)^{۱۷} و شلود (۲۰۱۷)^{۱۸} با بررسی تأثیرات هلنیستی، رومی و هخامنشی بر معماری اشکانی، به تبیین نقش تبادلات فرهنگی در تکوین زبان معماری این دوره پرداخته‌اند.

با مرور منابع ذکرشده، می‌توان دریافت که هرچند برخی مطالعات به طور موردی به عناصر شهری یا ویژگی‌های معماری اشکانی پرداخته‌اند، اما اغلب آن‌ها در چارچوبی پراکنده، غیرمنسجم و محدود (تک بنا، یک شهر خاص) ارائه شده‌اند. خلأ اصلی در پژوهش‌های موجود، طبق (جدول ۱) فقدان رویکردی شناخت‌شناسانه، میان‌رشته‌ای و روش پژوهش بینامتنی در تحلیل شهر و معماری اشکانی است؛ رویکردی که نه تنها ساختارهای فیزیکی، بلکه زمینه‌های فکری، فرهنگی، دینی و فضایی مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها را در نظر بگیرد؛ بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است که با اتکا به خوانش‌های مفهومی و تحلیل

شهرسازی دوره اشکانی، به‌عنوان مرحله‌ای گذار در تاریخ ایران باستان، همواره موردتوجه پژوهشگران حوزه‌های تاریخ، باستان‌شناسی، معماری و هنر بوده است. باین‌حال، تحلیل‌ها اغلب به توصیف‌های تاریخی یا بررسی‌های تک‌بعدی محدود شده‌اند و به شناخت‌شناسی معماری و شهرسازی اشکانی در قالب میان‌رشته‌ای و بینامتنی کمتر پرداخته شده است. در این بخش، باهدف شناسایی شکاف‌های موجود، پژوهش‌های صورت‌گرفته بر اساس دو متغیر کلیدی: «شهر» و «معماری» ایران در دوره اشکانی طبقه‌بندی و سپس بر اساس محتوا و روش پژوهش تحلیل می‌شوند.

الف) مطالعات مرتبط با متغیر «شهر» در ایران در دوره اشکانی (شهرسازی، سازمان فضایی، بستر تمدنی): مطالعاتی مانند آثار نوراللهی (۱۳۹۴) و کارتیس (۲۰۰۷)^۶ به بررسی ساختار فضایی شهرهای اشکانی پرداخته‌اند و تحلیلی کلی از شیوه شهرسازی این دوره ارائه کرده‌اند. هاوزر (۲۰۱۳، ۲۰۲۲)^۷ تمرکز خود را بر شهر هترا و تحولات شهرسازی پارتی قرار داده است و پیوندهای تاریخی و فضایی آن را با دوره‌های پیش و پس از اشکانیان بررسی کرده است. پژوهش‌های ویلکنسن (۲۰۱۴)^۸ درباره نسا و هاف (۱۹۹۰)^۹ درباره تیسفون نیز در فهم تطبیقی نمونه‌های شهری دوره اشکانی نقش مؤثری داشته‌اند. از سوی دیگر، مطالعات بهرامیان (۱۳۹۹) و بویس (۱۹۷۹)^{۱۰} نشان می‌دهند که گفتمان‌های مذهبی و فرهنگی، به‌ویژه در شهرهای چندفرهنگی مانند هترا، بر سامان‌دهی فضایی شهرها تأثیر داشته‌اند. در زمینه ابعاد فراتاریخی، پاپادپولس (۲۰۲۱)^{۱۱} و دانشور (۲۰۲۰)^{۱۲} با استفاده از رهیافت‌های نوین به تحلیل سیاست‌های شهری و جنسیتی این دوره پرداخته‌اند. همچنین پژوهش‌هایی همچون ریولتا

13 Rivolta (2021)
14 Bahramian (2019)
15 Lefebvre (1991)
16 Norberg-schulz (1980)
17 Stevens (2022)
18 Schlude (2017)

6 Curtis (2007)
7 Hauser (2013,2022)
8 Wilkinson (2014)
9 Huff (1990)
10 Boyce (1979)
11 Papadopoulos (2021)
12 Daneshvar (2021)

میان هر اثر (اعم از متن ادبی یا کالبد معماری) و «متن‌های دیگر» پیوندی درهم‌تنیده قائل است که در آن، معنا نه از خود متن، بلکه از نسبت آن با دیگر متون زاده می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر با اتکا به بنیان‌های شناخت‌شناسی و ابزار تحلیل بینامتنی ساختار فضایی شهرهای دوره اشکانی را در متن تاریخ شهرسازی ایران بازخوانی می‌کند، دوره‌ای که نه تقلید صرف از پیشینیان است و نه گسست کامل، بلکه نتیجه‌ای از گفت‌وگوی میان سنت‌های بومی، عناصر یونانی - هلنی و زمینه‌های آیینی شرقی باستان است.

در مطالعات نظری معماری و شهرسازی ابعاد شناخت به لایه‌هایی از ادراک، معنا و تفسیر اشاره دارد که فراتر از فرم‌های فیزیکی عمل کرده و فهم فضا را در پیوند با مفاهیم ذهنی، اجتماعی و فرهنگی ممکن می‌سازند. شناخت معماری تنها به درک بصری و هندسی محدود نیست؛ بلکه شامل درک تاریخی، زمینه‌ای، گفتگویی و فرهنگی نیز می‌شود (نصر، ۱۳۹۲). این ابعاد می‌توانند در قالب سه حوزه کلیدی بررسی شوند:

- بستر تاریخی فرهنگی به بستر شکل‌گیری فضا در نسبت با سنت‌ها، ساختار سیاسی، نظام‌های اجتماعی و باورهای دینی اشاره دارد. فهم این زمینه به ما امکان می‌دهد تا فضا را در نسبت با حافظه جمعی و تداوم فرهنگی تحلیل کنیم (فتوحی، ۱۳۹۱).
- جریان‌های فکری و گفتگویی شامل روایت‌های کلانی است که در هر دوره، نظام‌های دانشی، ارزشی و زیبایی‌شناختی را در معماری و شهرسازی شکل داده‌اند؛ مانند ایدئولوژی‌ها^{۲۳}، جهان‌بینی‌ها و منطقی‌های فکری که از فلسفه، دین یا علوم اجتماعی نشأت گرفته‌اند (نصر، ۱۳۸۹).

بینامتنی منابع، تصویری از چگونگی شکل‌گیری و تکامل شهر اشکانی ارائه دهد؛ تصویری که شهر را نه صرفاً به‌مثابه محصول کالبدی، بلکه به‌مثابه عرصه‌ای از هم‌آمیزی گفتمان‌ها و فرهنگ‌ها بازشناسی می‌کند.

۴. ادبیات نظری

شناخت‌شناسی^{۱۹} در علوم انسانی به بررسی چگونگی شکل‌گیری، انتقال و اعتبار دانش می‌پردازد؛ اما در حوزه معماری و شهرسازی، این مفهوم به بازخوانی فرایند درک انسان از فضا، معنا، تاریخ و ساختار کالبدی مرتبط می‌شود (صدیقی و همکاران، ۱۴۰۱). در این رویکرد معماری و شهر نه صرفاً مصنوعات مادی بلکه مجموعه‌ای از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و... می‌باشد که دانش، حافظه و تجربه زیسته انسان را در بستر مکان بازتاب می‌دهند (Steadman, 2021). شناخت فضا تنها زمانی می‌تواند به خوانشی جامع از شهر بینجامد که در قالب یک شبکه تاریخی - متنی تحلیل شود. از این منظر مفهوم بینامتنیت در این رویکرد، شهر و فضا مانند یک متن تلقی می‌شود که با متون گذشته (پیش متن) و آینده (پسا متن) در تعامل است. نظریه بینامتنیت نخستین بار توسط ژولیا کریستوا^{۲۰} با الهام از آرای میخائیل باختین^{۲۱} مطرح شد. بر اساس این نظریه هیچ متنی مستقل نیست؛ بلکه معنا در هر متن از رابطه آن با متون پیشین (پیش متن) و متون پسین (پسا متن) حاصل می‌شود. در معماری نیز این دیدگاه امکان تحلیل فضا به‌مثابه متن و بررسی پیوستار سنت‌های فضایی را فراهم می‌آورد (نامور مطلق، ۱۴۰۰؛ قاسمی نیا و همکاران، ۱۴۰۱). از طرفی رولان بارت^{۲۲}،

19 Epistemology

شاخه‌ای از فلسفه که به مطالعه ماهیت، منابع، حدود و اعتبار دانش می‌پردازد و به پرسش (چه می‌دانیم و چگونه می‌دانیم؟) پاسخ می‌دهد

20 Julia Kristeva

ژولیا کریستوا (زاده ۲۴ ژوئن ۱۹۴۱) فیلسوف، منتقد ادبی، روانکار، فمینیست و رمان‌نویس بلغاری-فرانسوی است.

21 Mikhail Bakhtin

میخائیل میخایلوویچ باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵) فیلسوف و متخصص روسی ادبیات بود.

22 Roland Barthes

رولان بارت (۱۲ نوامبر ۱۹۱۵-۲۵ مارس ۱۹۸۰) نویسنده، فیلسوف، نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و نشانه‌شناس برجسته فرانسوی بود.

23 Ideology

مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و ایده‌ها که رفتار و ساختار اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی را هدایت می‌کند.

مرکزی، سلسله‌مراتب فضایی) در نقد یا بازخوانی همین ساختارها شکل گرفته‌اند.

▪ پیش‌متن (دوره سلوکی): دوره سلوکی با ورود الگوهای هلنیستی به شهرسازی ایران همراه بود. فرم‌هایی چون پلان شبکه‌ای، آگورا، نظم هندسی محض و ساختارهای یونانی در مناطقی از ایران وارد شدند، اما با مقاومت‌های بومی نیز مواجه شدند. بررسی این ابعاد در سلوکیان، روشن می‌کند که اشکانیان نه تنها در برابر سبک یونانی ایستادگی کردند، بلکه آن را با سنت ایرانی ترکیب کرده و سبک خاص خود را پدید آوردند. ابعاد شناختی؛ مانند تعاملات فرهنگی، گفتمان قدرت، و فرم‌معنا در این دوره زمینه‌ساز تکوین «معماری پارتی» در دوره اشکانی شدند.

▪ پسا‌متن (دوره ساسانی): در دوره ساسانی، بسیاری از الگوهای فضایی که در دوره اشکانی تجربه و آزموده شده بودند، تثبیت و نظام‌مند شدند. ساختارهای شهرهای مدور، ایوان بلند، تمرکز قدرت، معماری آیینی و کارکردگرایی کنترل‌شده از جمله نشانه‌هایی است که بدون فهم تطور آن‌ها در اشکانیان، معنا پیدا نمی‌کنند. تحلیل شناختی در این مرحله به ما نشان می‌دهد که ساسانیان وارث تجربه فضایی-فرمی اشکانیان بودند، اما آن را در خدمت نظام تمرکزگرای آیینی و حکومتی خود بازتنظیم کردند.

بر اساس این چهارچوب نظری به تحلیل و بررسی ابعاد شناخت در دوره (هخامنشی، سلوکی: بعنوان پیش‌متن) و دوره (اشکانی به‌عنوان: متن) و دوره (ساسانی بعنوان: پسا‌متن) با رویکرد بینامتنی خواهیم پرداخت.

۵. ابعاد شناخت در دوره قبل از اشکانی (پیش‌متن: حکومت هخامنشی، سلوکی)

این دوره به‌مثابه «پیش‌متن» در خوانش بینامتنی مقاله حاضر، نه فقط از نظر زمانی، بلکه از حیث مفاهیم فضایی، سیاسی و فرهنگی بر متن اشکانی تأثیرگذار بوده‌اند. در این بخش، سه بعد کلیدی شامل زمینه فرهنگی-تاریخی، جریان‌های فکری-گفتمانی، و تعاملات فرهنگی و تأثیرات

• تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل، به تأثیرپذیری تمدن‌ها از یکدیگر در بستر تبادلات فرهنگی، تجاری، نظامی یا مذهبی می‌پردازد. این تعاملات در قالب اقتباس‌های فرمی، معنایی و تکنیکی در معماری نمود می‌یابند و منجر به خلق فضاهایی چندلایه و تلفیقی می‌شوند (سجادی، ۱۳۹۵؛ رضازاده، ۱۴۰۰). پیوندهای جغرافیایی نقش مهمی در سامان‌دهی فضایی دارند. مسیرهای تجاری و ارتباطی و موقعیت استراتژیک^{۲۴} جغرافیایی، نه تنها فرم‌های کالبدی، بلکه الگوهای اجتماعی-فضایی را نیز شکل می‌دهند (قاسمی نیا و همکاران، ۱۴۰۱).

بر اساس این چهارچوب نظری تحلیل شهرسازی دوره اشکانی تنها در متن این دوره چندان دقیق نمی‌باشد، چرا که خود این دوره در میانه پیوستاری قرار دارد که با شکل‌گیری نظم فضایی در دوره هخامنشی آغاز می‌شود، در مواجهه با دوره سلوکی متحول می‌شود، و در دوره ساسانی به اوج انسجام می‌رسد. از همین رو، ابعاد شناخت‌شناسی فضا در مقاله حاضر نه تنها برای درک متن شهرسازی ایران در دوره اشکانی، بلکه برای تحلیل فرایند تطور مفهومی شهر ایرانی در خلال این سه دوره (سلوکی و هخامنشی، اشکانی، ساسانی) نیز کاربرد دارد. در ادامه، نشان داده می‌شود که چرا بررسی این ابعاد در دوره‌های دیگر نیز ضروری است.

▪ پیش‌متن (دوره هخامنشی): در دوره هخامنشی، مفهوم فضا عمدتاً بازنمایی‌کننده نظم سلطنتی-آیینی بود. تحلیل ابعاد شناختی مانند «زمینه فرهنگی» و «ساختار قدرت» در این دوره نشان می‌دهد که شهر نه یک ساختار پویا، بلکه تجسمی از ایدئولوژی سلطنتی و آیینی بود (نمونه‌هایی چون شوش، پاسارگاد، تخت‌جمشید). بدون شناخت این پیش‌متن، نمی‌توان به درک درستی از گسست یا تداوم معماری اشکانی رسید؛ زیرا بسیاری از عناصر اشکانی (مانند ایوان، حیاط

24 Strategic Location

جایگاه جغرافیایی مهم که مزیت‌های نظامی، سیاسی و با تجاری ایجاد می‌کند.

مبتنی بر نمایش قدرت، ساختارهایی پدید آوردند که در آن شهر، بیش از آنکه عرصه‌ای اجتماعی یا عملکردی باشد، نمودی از نظم سیاسی-مذهبی به شمار می‌آمد. شبکه راه شاهی به‌جای پیوند فرهنگی، کارکردی اداری-فرمانروایی داشت. در این مرحله، گرچه بنیان‌های کالبدی مانند ایوان و فضاهای تشریفاتی شکل گرفتند، اما انعطاف‌پذیری، چندعملکردی‌بودن و تعامل فرهنگی محدود بود.

متقابل، در دو دوره مذکور بررسی می‌شود تا نشان داده شود چگونه ساختارهای فضایی، مفاهیم حاکم بر شهر، و منطق شکل‌گیری فرم در دوره اشکانی در واکنش، بازخوانی یا ترکیب با این پیش‌زمینه‌ها تکوین یافته‌اند. طبق بررسی‌های انجام شده که در (جدول ۴) ارائه شده است؛ دوره‌های پیش از اشکانیان، به‌ویژه هخامنشی، با ویژگی‌هایی چون مرکزگرایی آیینی، نظم فضایی نمادین، و ساختار شاهی

جدول ۱: دسته‌بندی مرور ادبیات، منبع: نویسندگان

پژوهشگر	متغیر	محتوای موردبررسی	نمونه موردی	روش تحقیق
نوراللهی (۱۳۹۴)	شهر	ساختار فضایی	کلان (شهرهای اشکانی)	کیفی (توصیفی - تحلیلی)
کرتیس (۲۰۰۷)	شهر	نظام فضایی و تاریخی	شهرهای اشکانی	تاریخی - تطبیقی
هاوز (۲۰۲۲، ۲۰۱۳)	شهر/معماری	شهرسازی پارتی و معماری هترا	هترا	باستان‌شناسی - تحلیلی
ویلکسنس (۲۰۱۴)	شهر	ساختار شهر نسا	نسا	باستان‌شناسی میدانی - تطبیقی
هاف (۱۹۹۰)	شهر	سازمان فضایی شهر تیسفون	تیسفون	باستان‌شناسی - تحلیلی
بهرامیان (۲۰۱۹)، بویس (۱۹۷۲)	شهر	گفتمان دینی در فضا	هترا و سایر شهرهای مذهبی	تحلیلی - اسنادی
دانشور (۲۰۲۰)	شهر	سیاست‌های فضایی جنسیتی	کلان	نظری - انتقادی
پاپادپولس (۲۰۲۱)	شهر	استراتژی‌های ^{۲۵} فضایی	کلان	نظری - تطبیقی
ریولتا (۲۰۲۱)	شهر	نقش کاروان‌سراها	شبکه شهری	تاریخی - تطبیقی
افخمی و همکاران (۱۳۹۷)	شهر	ابعاد اجتماعی راه ابریشم	راه ابریشم	تاریخی - کیفی
گرشاسبی (۱۳۹۹)	معماری	فناوری ساخت (ملات گچ)	ساختار معماری پارتی	توصیفی - آزمایشگاهی
استیونز (۲۰۲۲)	معماری	تأثیر فرهنگ هلنیستی	کلان	تحلیلی - تاریخی
شلود (۲۰۱۷)	معماری	روابط فرهنگی با روم	شهرهای مرزی	تاریخی - تطبیقی
پورشربعتی (۲۰۰۸) رضاخانی (۲۰۱۷)	شهر/معماری	گذار به ساسانی	تحلیل تحولی	تاریخی - تحلیلی

جدول ۲: ابعاد شناخت پیش از دوره اشکانی (حکومت سلوکی، هخامنشی) و نمود آن در شهرسازی (نویسندگان)

ابعاد شناختی	دوره سلوکی	دوره هخامنشی	منابع	نمود ابعاد شهرسازی	منابع
تاریخی - فرهنگی	ساختار سیاسی بر پایه سلطه نظامی - اداری؛ رواج شهرهای یونانی با سنت هلنی	ساختار شاهنشاهی تمرکز بر نظم و شکوه شهرسازی تابع نظم کیهانی ^{۲۶} و قدرت شاهنشاهی (شوش، تخت جمشید)	سپهوند (۱۴۰۳) کرتیس (۲۰۰۷) ویزهوفر ^{۲۷} (۲۰۰۱) بهروزی (۱۳۹۷)	شهرهای تشریفاتی - آیینی	دالاهو ^{۲۸}
جریان‌های فکری و گفتمانی	گفتمان فلسفی-شهروندی یونانی (آگورا ^{۲۹} ، نظم افقی در شهر) ردگفتمان هلنی به دلیل نبود ساختار دموکراتیک ^{۳۰} در ایران، با هویت ایرانی ترکیب یا دفع می‌شود	تلفیق آیین زرتشتی؛ باسیاست امپراتوری؛ مفاهیم اهورایی، عدالت شاهی و نظام طبقاتی، اساس نظم فضایی بازنمایی قدرت در فضا محوریت گفتمان سلطنتی	بویس (۱۹۷۹) اوورتوم ^{۳۱} (۲۰۲۳) جلیلیان و همکاران (۱۴۰۱)	شکل‌گیری فضاهای آیینی و نمادین، تقارن و نظم هندسی	مای سفر ^{۳۲}
تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل	تأثیرپذیری شدید از معماری و شهرسازی یونانی (پلان شبکه‌ای، میدان مرکزی، عناصر کلاسیک ^{۳۳})، اما مواجهه با اقوام ایرانی موجب بومی‌سازی فرم‌ها شد؛ نخستین نشانه‌های تلفیق در معماری و فضا	تعاملات محدود و غالباً یک‌سویه با اقوام پیرامونی؛ راه شاهی برای کنترل سیاسی و اداری بود، نه تبادل فرهنگی؛ جهان‌بینی تک مرکزگرا	تکابنی (۱۳۹۹) هوزر (۲۰۱۳) شلوده و روبین (۲۰۱۷) گرگوراتی ^{۳۴} (۲۰۱۶)	راه‌های بین‌شهری	ویکیپدیا ^{۳۵}
نتیجه‌گیری	سلوکیان: بعنوان دوره‌ای گذار با تأثیرات هلنیستی و شناخت فضا بیشتر در سطح فرم بود نه معنا هخامنشیان: بیشترین تأکید بر نظم ایدئولوژیک و نمایش قدرت را دارد در این دوره ابعاد شناختی بیشتر حالت نمادین - فرهنگی دارد تا عملکردی - اجتماعی				

26 Cosmic Order

27 Wieschofer (2001)

28 Dalahoo

29 Agora

30 Democratic

31 Overtoom (2023)

32 Mysafar

33 Classical

34 Gregorati (2016)

35 Wikipedia

نظام هماهنگ و مقدس در جهان بینی سنتی که روابط انسان، طبیعت و کیهان را سامان می‌دهد.

میدان یا فضای عمومی مرکزی در شهرهای یونان باستان که محل تجمع و فعالیت‌های مدنی بود.

مبتنی بر مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی با برابری حقوق افراد.

مرتبط با هنر، فرهنگ و معماری یونان و روم باستان یا دوره‌های الهام گرفته از آن.

۶. ابعاد شناخت در دوره اشکانی (متن)

۶.۱. زمینه تاریخی - فرهنگی دوره اشکانی

در تحلیل تحولات معماری و شهرسازی ایران باستان، دوره اشکانی به‌عنوان دوره‌ای میانی و انتقالی، نقشی محوری در شکل‌گیری گفتمان‌های فضایی و بازآفرینی هویت ایرانی ایفا کرده است. این دوره که از نظر ساختار سیاسی و فرهنگی به نظامی نیمه‌متمرکز و چندفرهنگی مشهور است (فرزین و همکاران، ۱۴۰۰؛ وکیلی، ۱۳۹۳). این دوره به‌عنوان متنی مستقل اما مرتبط، در تقاطع پیش‌متن هخامنشی و پسا‌متن ساسانی قرار گرفته و ساختار فضایی آن با بازآفرینی و ترکیب گفتمان‌های فضایی، فرهنگی و سیاسی هر دو دوره شکل‌گرفته است (خراسانی و ساریخانی، ۱۴۰۰).

بر اساس این دیدگاه، معماری و شهرسازی اشکانی نه صرفاً محصولی از گذر زمان، بلکه فرایندی پویا و دیالکتیکی^{۳۶} است که در آن سنت‌های بومی و الگوهای هلنی به‌عنوان منابع متنی پیشین، با تغییرات و نوآوری‌های فضایی و نمادین در متن اشکانی بازخوانی و بازتولید شده‌اند. این تعامل بین متون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، زمینه شکل‌گیری ساختارهای فضایی چندلایه و پیچیده‌ای را فراهم آورده است که در نمونه‌هایی چون شهرهای هترا و نسا مشهود است. علاوه بر این، مسیر راه ابریشم به‌عنوان متن خارجی، مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی متنوعی را وارد گفتمان فضایی اشکانی کرده که تأثیرات آن بر شکل‌گیری هویت شهری قابل‌بررسی است (Rezakhani, 2017). به‌این‌ترتیب، در این پژوهش، دوره اشکانی به‌عنوان متن مرکزی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که در نسبت دیالکتیکی با پیش‌متن و پسا‌متن خود، امکان فهم عمیق‌تر و جامع‌تری از تحول معماری و شهرسازی در تاریخ ایران فراهم می‌آورد.

۶.۲. جریان‌های فکری و گفتمانی دوره اشکانی

در امتداد پیش‌متن فکری و فرهنگی که در لایه نخست تحلیل شد، دوره اشکانی به‌مثابه بستر ظهور گفتمان‌های فکری چندلایه و پیچیده شناخته می‌شود که در فضای میان تمدنی شرق و غرب به شکلی پویا و همزیست رشد یافت. تنوع مذهبی و فکری این دوره که شامل آیین‌های زرتشتی، مهرپرستی، یهودیت، مانویت و مسیحیت بود (کامرانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۷). همراه با سیاست تساهل مذهبی پادشاهان اشکانی (نظری، ۱۳۹۸)، ساختاری فضایی-معنایی را پدید آورد که بر مبنای تکرر و چندگانگی معنا شکل گرفت. این گفتمان‌های متنوع، در نسبت با پیش‌متن هخامنشی که بر یک‌دستی دینی و نظم مرکزی تأکید داشت، و همچنین پسا‌متن ساسانی که وحدت مذهبی رسمی و نظام مرکزگرا را بازتولید می‌کرد، به ایجاد معماری و شهرسازی چندمرکزی و منعطف انجامید (Hauser, 2013; Keshavarz Rahbar, 2024).

در این روند بینامتنی، فضای شهری و معماری اشکانی نه‌تنها بازتاب‌دهنده ساختارهای فکری پیچیده و متکثر است، بلکه به‌مثابه بستری برای گفت‌وگو میان باورها، سنت‌ها و فرهنگ‌های متضاد نیز عمل می‌کند. شواهد باستان‌شناسی از شهرهای مهمی مانند نسا، هترا و تیسفون، تنوع عملکردی و کاربری‌های چندگانه را تأیید می‌کند که نمود عینی این گفتمان‌های چندفرهنگی است (Keshavarz Rahbar, 2024; Hauser, 2013). در این راستا، بازخوانی و تلفیق الگوهای هلنیستی با سنت‌های بومی در حوزه معماری، بیانگر نوعی هم‌نشینی و هم‌افزایی میان متن‌های فرهنگی گوناگون است که فراتر از تقلید صرف به خلق فرم‌های نوین منجر شد (Schlude & Rubin, 2017; Nabel, 2025). از سوی دیگر، نظام فکری-سیاسی اشکانی امکان ظهور فضاهای شهری عملکردگرا و بومی را فراهم کرد که به‌جای تحمیل نظم نمادین، بر تعاملات محلی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بودند. این ویژگی، ساختاری فضایی را شکل داد که برخلاف پیش‌متن هخامنشی و پسا‌متن ساسانی، بیشتر ارگانیک^{۳۷} و

36 Dialectic

فرایند گفت و گو یا استدلال متقابل برای رسیدن به حقیقت یا درک عمیق‌تر.

مبتنی بر نیازهای جامعه محلی بود (نوراللهی، ۱۳۹۴؛ Hansen, 2012; Farrokh, 2007). همچنین، موقعیت استراتژیک امپراتوری اشکانی و ارتباط گسترده با جاده ابریشم به تقویت تبادلات فرهنگی، علمی و فلسفی انجامید و به تولید گفتمان‌های بینا فرهنگی در عرصه فضای شهری منجر شد (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Pourshariati, 2008).

۶.۳. تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل در دوره اشکانی

در تحلیل تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل در دوره اشکانی، باید فراتر از تحلیل صرف فرم و کالبد به شهرسازی و معماری این دوره نگرست. فضای شهری اشکانی عرصه‌ای برای تلاقی گفتمان‌های متکثر فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی بود که بازتابی از پیچیدگی‌های تاریخی آن زمان محسوب می‌شود. ساختارهای معماری و شهری اشکانی بر مبنای منطق اقلیمی و مصالح بومی مانند خشت و گچ شکل گرفت و هم‌زمان از فناوری‌های سازه‌ای یونانی و بابلی بهره‌مند شد (Keshavarz Rahbar, 2024). این ترکیب فنی - فرمی در شهرهایی مانند نسا و هترا به خلق ساختارهای فضایی نوین انجامید که هم عملکردی و هم نمادین بودند. از بعد دینی و فرهنگی، شهرهای اشکانی میزبان هم‌زیستی آیین‌های مختلفی بودند که معماری مذهبی با فرم‌هایی مانند ایوان‌ها و طاق گفتمانی از تلفیق اندیشه‌های ایرانی، یونانی و میان‌رودانی را منعکس می‌کرد (Hauser, 2013). همچنین موقعیت استراتژیک این امپراتوری در مسیر جاده ابریشم، تعاملات و تبادلات فرهنگی - اقتصادی گسترده‌ای را رقم زد که در ساختارهای فضایی شهرهایی مانند مرو و صدروزه متجلی شد (Rezakhani, 2017; Hansen, 2012). نظام فضایی این دوره، تعادلی میان اقتدار مرکزی و نفوذ محلی بود که فضاهای چند کانونی و پاسخگو به مقتضیات منطقه‌ای را شکل داد؛ تفاوتی که در دوره‌های پسین ساسانی با

تمرکزگرایی شدیدتر تغییر کرد (Farrokh, 2007). مطالعاتی مانند سامور (۲۰۲۴) بر نقش معابد چند آیین در سازمان فضایی شهرهای اشکانی تأکید دارند و نشان می‌دهند که این هم‌زیستی دینی نه تنها سازوکارهای فرهنگی بلکه شهرسازی را نیز دگرگون کرده است. همچنین پژوهش‌های اخیر استوینس (۲۰۲۲) تأکید دارند که معماری اشکانی نه صرفاً تقلید از فرم‌های یونانی و رومی بلکه بازآفرینی خلاقانه آنها در قالبی بومی و تعاملی بوده است. نقش جاده ابریشم در شکل‌دهی به معماری عملکردی و ساختارهای چندلایه شهرها نیز از سوی پژوهشگران، یزدانی و برهانی (۲۰۲۳)^{۳۸}، مورد توجه قرار گرفته است؛ جایی که بازارها، کاروان‌سراها و فضاهای آیینی (معابد) به گونه‌ای درهم‌تنیده شده‌اند که انعطاف‌پذیری فضایی و معنایی را تضمین می‌کند.

از نظر روابط سیاسی و فرهنگی، فرم‌های فضایی شهرهای غربی امپراتوری اشکانی همچون میدان‌ها و معابر، واکنشی به ساختارهای رومی بودند که با منطق منطقه‌ای و غیرمحورمند ایرانی ترکیب شده‌اند (Nabel, 2025). در نهایت، مطالعات اجتماعی نیز به بازتاب ساختارهای اجتماعی در طراحی فضاهای شهری مانند تفکیک حریم‌های عمومی و خصوصی اشاره می‌کنند (Daneshvar & Arjomand, 2020). به این ترتیب، تعاملات فرهنگی در دوره اشکانی در تمامی لایه‌های معماری، نظم اجتماعی، ساختار اقتصادی و معنانشناسی شهری نفوذ داشته و شهر اشکانی نه صرفاً بازتاب‌دهنده روابط بین‌المللی، بلکه بازآفریننده مفاهیم نوین معماری و شهرسازی در تقاطع فرهنگ‌ها بوده است؛ مفاهیمی که بعدها در دوره ساسانی به صورت متمرکزتر و آیینی‌تر نهادینه شدند.

همان‌طور که در (جدول ۳) مشخص می‌باشد، در دوره اشکانی، شهر ایرانی وارد مرحله‌ای از پویایی‌شناختی و تکامل عملکردی-فرمی شد. به نظر می‌رسد؛ ساختارهای فضایی در این دوره بر اساس منطق منطقه‌گرایی، پاسخ‌گویی به اقلیم، چندمرکزی بودن، و هم‌زیستی آیینی

در معماری و شهرسازی به ساختار فرمی گفته می‌شود که هماهنگ با بستر طبیعی، اقلیم و نیازهای انسانی شکل گرفته است.

شکل گرفتند. عناصر فضایی مانند شهرهای مدور، فضاهای ترکیبی مذهبی-تجاری، سبک پارتی، و فرم‌های غیرمحورمند بازتابی از گفتمان فضایی جدید بودند. تأثیر جاده ابریشم در ارتقای نقش فرهنگی، اقتصادی و فضایی شهرها بارز بود. شهر در این مرحله به آستانه‌ای از «ادغام عملکرد، معنا و بافت» رسید و می‌توان آن را لحظه شکل‌گیری شهر ایرانی تلفیقی و زمینه‌مند دانست.

۷. تحلیل نمود ابعاد شناخت دوره اشکانی (متن) در معماری ایران به روش بینامتنی

الف) زمینه تاریخی-فرهنگی: منظور از این بعد، تحلیل زمینه‌های تمدنی، اجتماعی و سیاسی‌ای است که بستر شکل‌گیری الگوهای شهری را در دوره اشکانی فراهم کرده‌اند. ساختار حکومت نیمه‌متمرکز، تنوع قومی و مدارای آیینی، از مهم‌ترین عوامل فرهنگی-سیاسی این دوران بود (فرزین و همکاران، ۱۴۰۰؛ وکیلی، ۱۳۹۳). منظور از این بعد، تحلیل زمینه‌های تمدنی، اجتماعی و سیاسی‌ای است که بستر شکل‌گیری الگوهای شهری را در دوره اشکانی فراهم کرده‌اند. ساختار حکومت نیمه‌متمرکز، تنوع قومی و مدارای آیینی، از مهم‌ترین عوامل فرهنگی-سیاسی این دوران بود (فرزین و همکاران، ۱۴۰۰؛ وکیلی، ۱۳۹۳). بر پایه الگوی دودمانی-ایالتی^{۳۹}، شهرها درون نظامی غیرمتمرکز و منطقه محور شکل گرفتند. مثلاً در شهرهایی چون نسا و مرو، ساختار فضایی به‌گونه‌ای بود که هم قدرت محلی را نمایندگی می‌کرد و هم کارکردهای سیاسی-اداری را در خود جای می‌داد (Sarianidi, 2002; Wilkinson, 2014). این زمینه باعث شد که شهرها واجد نظمی چند کانونی، کارکردگرا و منطبق با نیازهای بومی باشند. چنین خصیصه‌ای را می‌توان آغاز فاصله‌گیری از نظم آیینی-تشریفاتی هخامنشی دانست (Huff, 1990).

ب) جریان‌های فکری و گفتمانی: گفتمان‌های فکری، مذهبی و دانشی دوره اشکانی، نقشی مهم در

معنابدازی فضا داشتند. در این دوران، آیین‌هایی مانند زرتشتی، مهرپرستی، مانویت، یهودیت و مسیحیت در کنار یکدیگر زیست می‌کردند (Boyce, 1979); کامرانی فر و همکاران، ۱۳۹۷). سیاست تساهل مذهبی پادشاهان اشکانی، منجر به خلق ساختارهای آیینی چندگانه و نمادین شد؛ مانند هنرا که در آن معابد متعددی از ادیان مختلف در ساختاری هم‌زیستانه حضور داشتند (Hauser, 2013); بهرامیان، ۱۳۹۹). این تساهل دینی، باعث شکل‌گیری معماری آیینی تلفیقی و متنوع شد. فرم‌هایی چون ایوان، گنبد و حیاط مرکزی، در خدمت بیان هم‌زمان هویت‌های مذهبی متنوع درآمدند (Samore, 2024).

ج) تعاملات فرهنگی و پیوندهای جغرافیایی: جاده ابریشم به‌عنوان مسیر تمدنی چند هزارکیلومتری، در دوره اشکانی جایگاه تازه‌ای یافت. شهرهایی چون صدرروازه، مرو و تیسفون، گره‌های فرهنگی-تجاری این شبکه بودند (Hansen, 2012; Yazdani & Borhani, 2023). ورود سبک‌های معماری هلنی، عناصر سازه‌ای میان‌رودانی، و اقتباس خلاق از فرم‌های رومی-یونانی در بسیاری از شهرهای اشکانی دیده می‌شود (Stevens, 2022). نتیجه این تعاملات، ظهور معماری «پارتی» بود که نه تقلیدی صرف، بلکه بازآفرینی بومی و خلاق عناصر بیرونی در چارچوب فضاهای ایرانی محسوب می‌شود (Hauser, 2007; Curtis, 2022).

۸. ابعاد شناخت پس از دوره اشکانی (پسا متن: حکومت ساسانی)

دوره ساسانی را می‌توان مرحله تثبیت و نهادینه‌سازی تجربه‌های فضایی و مفهومی دوره اشکانی دانست. بسیاری از مؤلفه‌هایی که در شهرهای اشکانی به شکل انعطاف‌پذیر، منطقه‌گرا و چند کانونی تجربه شده بودند، در شهرهای ساسانی به‌صورت ساختارمند، متمرکز و آیینی بازآفرینی شدند. از آن جمله‌اند: استفاده از ایوان و طاق گهواره‌ای، محورهای هندسی، تمرکز عملکردهای مذهبی-اداری، و سامان‌دهی شعاعی شهرها (Bohrer, 2020). از منظر شناخت‌شناسی، ساسانیان باتکیه بر میراث فضایی اشکانی،

39 Dynastic-Provincial

ساختار حکومتی که بر پایه قدرت خاندان سلطنتی و تقسیمات ایالتی شکل گرفته است.

یک نظام معماری رسمی و ایدئولوژیک را بنا کردند که در خدمت انسجام سیاسی، وحدت دینی و نمایش قدرت مرکزی بود. به همین سبب، بررسی تطبیقی این ابعاد در پساتمن (ساسانی) برای تکمیل زنجیره بینامتنی پژوهش ضروری است. به نظر می‌رسد با ورود به دوره ساسانی، دستاوردهای فضایی اشکانی نظام‌مند، آیینی و متمرکز شدند. شهرهایی چون گور و جندی‌شاپور نه فقط پایتخت‌های سیاسی، بلکه بسترهای دانشی و اقتصادی بر

مبنای نظم فضایی متمرکز بودند. ساختارهایی مانند شهرهای مدور با هسته مرکزی آیینی-اداری، فرم‌های تثبیت‌شده‌ای چون ایوان و طاق، و انسجام در کالبد و معنا، نتیجه مستقیم تجربه‌های اشکانی بودند که اکنون با انسجام ایدئولوژیک و وحدت سیاسی آمیخته شدند. شهر در این دوره، تبدیل به ابزار قدرت و بازنمایی نظم دینی-دولتی گردید.

جدول ۳: ابعاد شناخت در دوره اشکانی و نمود آن در شهرسازی (نویسندگان)

ابعاد شناختی	دوره اشکانی	منابع	نمود ابعاد در شهرسازی این دوره	منابع
زمینه فرهنگی - تاریخی	- ساختار سیاسی-اجتماعی نیمه‌متمرکز (ملوک‌الطوایفی ^{۴۰})، تکثر قومی، و مدارای مذهبی. غیاب مرکزیت مطلق موجب بروز فرم‌های متنوع شهری شد. - توجه به اقلیم، عملکرد و منطقه در طراحی شهری. - تلفیق سنت‌های بومی با الگوی سلوکی و عناصر هخامنشی.	خراسانی و ساریخانی (۱۴۰۰) و بلسکن‌سون (۲۰۱۴) و کیلی (۱۳۹۳)	ساختار نیمه‌متمرکز حکومتی باعث شکل‌گیری شهرهای غیرمتمرکز شد.	بزرگ‌ترین‌ها ^{۴۱}
جریان‌های فکری - گفتمانی	- گفتمان‌های آیینی متکثر: زرتشتی، مهرپرستی، مانوی، یهودی و مسیحی. - سیاست تساهل مذهبی موجب شکل‌گیری معماری مذهبی متنوع شد. - فضاهای شهری بازتابی از سازوکارهای چندگانه قدرت، آیین، و عملکرد شد.	کامران‌فر و همکاران (۱۳۹۷) بویس (۱۹۷۹) هاوسر (۲۰۱۳)	تنوع مذهبی و تساهل دینی، شهرها را به فضایی چند هویتی تبدیل کرد	ویکی‌پدیا
تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل	- تبادلات فرهنگی یونانی-رومی، آسیای میانه، و بین‌النهرین از طریق جاده ابریشم موجب شکل‌گیری فضاهای شهری به‌مثابه محل تلاقی آیین، تجارت و قدرت شد. - توسعه سبک معماری پارسی (ایوان، حیاط مرکزی، پلان مدور). - باعث ورود سبک نوین شهرسازی شد	فرخ (۲۰۰۷) ^{۴۲} علیزاده و قاسمی (۲۰۲۱) ^{۴۳} رضاخانی (۲۰۰۷)	استقرار بر مسیر جاده ابریشم موجب ادغام سبک و عناصر گوناگون شد	
نتیجه‌گیری	دوره اشکانی به‌عنوان دوره‌ای میانی و انتقالی، نقشی محوری در شکل‌گیری گفتمان‌های فضایی و بازآفرینی هویت ایرانی ایفا کرده است.			

40 Feudal

41 Bartinha

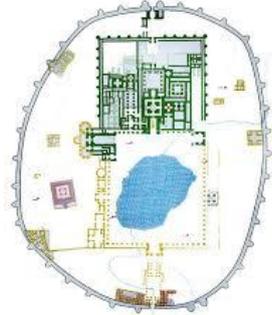
42 Farrokhi (2007)

43 Samore (2024)

نظام سیاسی که در آن قدرت میان حاکمان محلی مستقل و نیمه مستقل تقسیم می‌شود.

جدول ۴: ابعاد شناخت پس از دوره اشکانی (حکومت ساسانی) و نمود آن در شهرسازی (نویسندگان)

ابعاد شناخت	دوره ساسانی	منابع	نمود ابعاد در شهرسازی این دوره	منابع
زمینه فرهنگی - تاریخی	ساختار سیاسی-مذهبی متمرکز؛ قدرت شاهنشاهی و موبدان زرتشتی در سازمان‌دهی فضا مؤثر بود. شهرها با هندسه شعاعی و محورهای نمادین طراحی می‌شدند. تمرکزگرایی فضایی، نشانه انسجام ایدئولوژیک بود	هاف (۲۰۰۸) برر (۲۰۲۰) ^{۴۴} خراسانی و ساریخانی (۱۴۰۰)	شهرهای شعاعی - محوری تلفیق کاخ و آتشکده	فخاری، ۱۳۹۴
جریان‌های فکری - گفتمانی	تمرکز بر وحدت دینی زرتشتی، ایجاد فضاهای آیینی رسمی (آتشکده‌ها) در مرکز شهر. قدرت دینی به عنصر مسلط در فرم فضایی بدل شد. گفتمان سلطنتی-دینی فضای شهری را شکل داد	پورشریعتی (۲۰۰۸) بهرامیان (۱۳۹۹) بویس (۱۹۷۹)	مرکزگرایی شدید دین رسمی (اهمیت آتشکده‌ها)	ویکی‌پدیا
تعاملات فرهنگی و تأثیرات متقابل	تداوم استفاده از عناصر اشکانی مانند ایوان و گنبد، اما با ساختار رسمی‌تر. ارتباط با روم و بیزانس در توسعه فرم کاخ‌ها و میدان‌های حکومتی. تثبیت شبکه‌های ارتباطی شرق-غرب (جاده ابریشم) با شهرهایی چون جندی‌شاپور، گور، و تیسفون	فاولکس - چیلدز اند سیمور (۲۰۱۹) ^{۴۵}		پینترست ^{۴۶}
جمع‌بندی	دوره ساسانی، بازتابی از بازتفسیر تجربه فضایی اشکانی در چارچوب حکمرانی منسجم بود. این پسامتن، تکمیل‌کننده روند تکوین شهر ایرانی پیش از اسلام است؛ شهری که در اشکانیان متولد شد، و در ساسانیان نظام‌مند شد.			



44 Bohrer (2020)

45 Fowlkes -childs&Seymour (2019)

46pinterest

۹. تحلیل آثار شاخص دوره اشکانی

در ساختار هخامنشی، شهرهایی چون پاسارگاد و شوش، با تأکید بر ترکیب نظم هندسی، نمادهای سلطنتی و محورهای تشریفاتی شکل گرفتند (Huff, 2008; Curtis, 2007). در پیوند با راه شاهی - به‌عنوان شبکه ارتباطی رسمی و بین‌شهری، ساختار فضایی تمرکزگرا و کاخ محور آن‌ها تقویت می‌شد (Wiesehofer, 2001). راه شاهی در این دوره نه‌تنها مسیر انتقال کالا، بلکه بستر تثبیت قدرت سیاسی و فرهنگی نیز بود (Hansen, 2012; Farrokh, 2007). با ورود به دوره اشکانی، این منطق فضا‌سازی تغییر یافت و جای خود را به ساختارهایی بانظم غیرمحورمند، چیدمان مدور، و معماری سازگار با محیط و عملکردهای دفاعی، تجاری و زیستی داد (Keshavarz rahbar, 2024; Hauser, 2013). شهرهایی چون نسا، هترا، مرو و تیسفون با ساختاری لایه‌ای، حصارکشی شده، و چند عملکردی شکل گرفتند که برخاسته از نیازهای اقتصادی، تنوع مذهبی و تحرک فرهنگی و سیاسی بودند (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Bohrer, 2021; Samore, 2024). در این میان، جاده ابریشم نقش اساسی در پیوند شهرهای اشکانی با جهان پیرامون داشت و ساختار فضایی شهرها را در ارتباطی دوطرفه با جریان‌های تجاری، فکری و فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرارداد (Hansen, 2020; Papadopoulos, 2021; Yazdani & Borhani, 2023). همچنین، جایگاه شهرها در مسیر راه شاهی هخامنشی و جاده ابریشم، نقش مهمی در تسهیل تبادل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان اقوام و مناطق مختلف ایفا کرد (Rivolta, 2021).

ساختار فضایی شهرهای دوره اشکانی نشان‌دهنده گذار بنیادین از نظم فضایی سلطنت محور و آیینی دوره هخامنشی به الگوهای شهری چندمرکزی، ارگانیک و واقع‌گراست؛ الگویی که بر پایه منطق بومی، نیازهای اقتصادی، الزامات دفاعی و تعاملات اجتماعی-تجاری شکل گرفت. برخلاف سازمان فضایی سلسله‌مراتبی و محور پیشینیان که بر نمایش قدرت متمرکز و تقارن نمادین تأکید داشت، شهرهای اشکانی همچون تیسفون، هترا و نسا بر مبنای سامانه‌ای چند کانونی و انعطاف‌پذیر طراحی شدند؛

دوره اشکانی، در منظومه‌تطور معماری و شهرسازی ایران باستان، نه‌تنها مرحله‌ای میانی بلکه نقطه عطفی در بازتعریف ساختارهای فضایی، مفهومی و عملکردی شهر ایرانی به شمار می‌آید (Farrokh, 2007; Rezakhani, 2017). تحلیل این دوره از منظر شناخت‌شناسی، نیازمند تلفیق داده‌های تاریخی، فضایی، و کالبدی در چارچوب رویکرد بینامتنی است؛ رویکردی که سه‌لایه تحلیلی پیش‌متن، متن، و پس‌متن را به‌صورت مفهومی و تطبیقی موردبررسی قرار می‌دهد (Norberg-Schulz, 1980; Lefebvre, 1991). به‌عنوان نمونه، شهرهای مدوری چون نسا یا هترا، به‌واسطه نیازهای تدافعی و اجتماعی و نیز تحت‌تأثیر «بعد عملکردی شناخت»، با فرم‌های دیوار دار و سازمان‌یافته پیرامون مرکز آیینی یا حکومتی ساخته شده‌اند؛ الگویی که برخلاف فرم‌های آیینی-نمادین دوره هخامنشی، مبتنی بر واقع‌گرایی فضایی^{۴۷} و بوم‌گرایی عملکردی^{۴۸} است. در ادامه، نمونه‌های شاخص شهرسازی دوره اشکانی (نسا، هترا، صددروازه، مرو، تیسفون) از منظر ساختار کالبدی، فرم پلان، جایگاه عملکردی و لایه‌های معنایی بررسی می‌شوند. به‌عنوان مثال، در شهر صددروازه، ترکیب فضای تجاری با کاروان‌سرا و معبد، بازتاب «بعد اجتماعی شناخت» است که در آن، فضا نه‌تنها به منزله سکونت‌گاه، بلکه به‌مثابه بستر تعامل فرهنگی و اقتصادی بازتعریف شده است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Rivolta, 2021). بنابراین، تحلیل نظام فضایی و نمونه‌های شاخص این دوره بانکیه‌بر ابعاد شناختی و به روش بینامتنی، روشن می‌سازد که شهر اشکانی چگونه در میانه‌سنت و نوآوری شکل گرفت. این رویکرد، درک شهرسازی اشکانی را از یک فرایند تاریخی، به سطحی مفهومی و بینامتنی ارتقا می‌دهد و جایگاه آن را در تکوین شهر ایرانی پیش از اسلام به‌وضوح مشخص می‌سازد.

47 Spatial Realism

رویکرد طراحی و سازمان دهی فضا بر اساس نیازهای واقعی و شرایط عینی محیط.

48 Functional Biogeography

بر کارکردها و سازوکارهای اکوسیستم‌های طبیعی تمرکز دارد.

فضایی و عملکردی، بستری مناسب برای تحلیل نمونه‌های شاخص و درک عمیق‌تر معنا و کارکرد شهرهای اشکانی فراهم می‌آورد.

دوره اشکانیان با تکوین نخستین پایتخت‌ها و مراکز مهم شهری، الگوهای متفاوت و متنوعی از ساختارهای فضایی و معماری را به نمایش می‌گذارد که بیانگر تطور و ترکیب میان فرهنگ، سیاست و اقتصاد در گستره جغرافیایی امپراتوری وسیعشان بود. از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها، شهرهای نسا، صدرروازه، هترا، مرو و تیسفون هستند که هر یک با ویژگی‌های متمایز، گویای نحوه تعامل میان عملکرد، آیین و ساختار فضایی‌اند.

نسا، نخستین پایتخت اشکانیان واقع در ترکمنستان کنونی، ساختاری متفاوت از شهرهای کلاسیک دوران باستان دارد. پلان این شهر شامل دو بخش متمایز نسا کهن و نسا جدید است. نسا کهن به‌صورت قلعه‌ای مستطیلی با دیوارهای خشتی و برج‌دار طراحی شده و فضای داخلی آن شامل انبارهای بزرگ، ایوان‌های عمیق و فضاهای سلطنتی تشریفاتی است. سازمان فضایی این شهر از نظم هندسی دقیق پیروی نمی‌کند و بیشتر در واکنش به توپوگرافی و الگوهای عملکردی شکل گرفته است. این ساختار فضایی نه‌تنها بیانگر قدرت مرکزی، بلکه بازتابی از تقدس‌گرایی و جایگاه نیابرسی و اشراف در معماری و فضای سیاسی-اجتماعی اشکانی است. الگوی حیاط محور نسا که بعدها در معماری ایرانی ریشه دواند، یکی از دستاوردهای مهم این شهر است که جایگزین شبکه‌های شطرنجی کلاسیک شد.

صدرروازه، پایتخت شرقی واقع در دامغان امروزی، بر محور جاده ابریشم و بر اساس ساختار شبکه‌ای طراحی شده بود که دارای مسیرهای متعدد ارتباطی، بازارها و کاروان‌سراهای بین‌راهی بود. این شهر نه‌تنها محل عبور کالا بلکه بستری برای انتقال معنا، آیین و سبک‌های هنری-معماری در گستره‌ای فراملی بود. ترکیب فضاهای تجاری، مذهبی و نظامی درون ساختار شهر، نقش فضا را به‌عنوان واسطه‌ای فرهنگی و اقتصادی در دوره اشکانی برجسته می‌کرد.

سامانه‌ای که بازار، سکونتگاه، عبادتگاه و ارگ دفاعی را نه در تقابل، بلکه در هم‌زیستی عملکردی، در بستر طبیعی و مسیرهای ارتباطی جای می‌داد. این ساختار چند کانونی که از بطن نیازهای عملکردی و اقلیمی زاده شد، با قرارگیری شهرها در امتداد جاده ابریشم تقویت گردید؛ زیرا نیازهای شبکه‌های تجاری در آن دوران، تقویت فضاهایی باز، پویا و متعامل بود. شهر اشکانی، به‌جای تمرکز بر فرم و نمایش، به سازمانی فضایی دست‌یافت که با کارکردهای اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی درهم‌تنیده بود. در مجموع، شهرسازی این دوره را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تکوین شهر ایرانی دانست؛ چراکه این دوران، به‌واسطه ساختار فضایی چندوجهی و رویکرد ترکیبی خود، مدل جدیدی از سازمان فضایی شهر را بنیان نهاد که نه‌تنها در دوره ساسانی بسط یافت، بلکه به‌طور مستقیم در شکل‌گیری گفتمان شهر اسلامی-ایرانی نیز تأثیرگذار بود؛ بنابراین، شهر اشکانی نه فقط حاصل یک تحول شکلی، بلکه برآمده از تحولی معرفتی در نحوه «تولید فضا» بود؛ تحولی که در دل آن، شهر از نمایش قدرت به بستری برای زیست چند ساحتی انسان بدل شد.

در دوره ساسانی، شهرسازی بر شالوده الگوی اشکانی تثبیت و بازتولید شد، اما در مقیاسی سازمان‌یافته‌تر. شهرهایی مانند تیسفون، بغداد و جندی‌شاپور، با ترکیبی از نظام حکومتی متمرکز، دانش بومی ساخت‌وساز، و بهره‌گیری از مسیرهای ارتباطی مانند جاده ابریشم، به کانون‌های اداری، علمی و مذهبی بدل شدند. ساختار این شهرها همچنان از منطق مدور و مرکز-پیرامون اشکانی پیروی می‌کرد، اما در تلفیق با برنامه‌ریزی شهری-حکومتی، غنای بیشتری یافت. بر این مبنا، می‌توان دوره اشکانی را نقطه چرخش در تکوین شهر ایرانی دانست؛ دوره‌ای که در آن، شهر نه فقط به‌مثابه کالبدی فیزیکی، بلکه به منزله بستری زنده برای تعاملات فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و اقلیمی شکل گرفت. این چرخش مفهومی در تولید فضا، زمینه‌ساز ظهور فرم‌هایی نوین و فضامند شد که در ادامه، با تحلیل نمونه‌های شاخص معماری و شهرسازی اشکانی، معنای این تحول بیشتر روشن خواهد شد. این تحولات

فضایی هستند. ایوان بزرگ و طاق گهواره‌ای این شهر نه تنها از نظر آیینی و پذیرایی بلکه به لحاظ اقلیمی نیز نقش مهمی داشتند و نور و تهویه مطلوب را تأمین می‌کردند. تیسفون نشان می‌دهد چگونه تجربه فضایی اشکانی، پایه‌گذار نظم آیینی-اداری در دوره ساسانی شد. به‌طور کلی، ساختار فضایی شهرهای اشکانی، به‌دوراز الگوهای آرمانی و نمادگرایانه صرف، بر اساس نیازهای عملکردی، اقتصادی و دفاعی طراحی می‌شد و درعین‌حال، بازتاب‌دهنده تنوع فرهنگی، تساهل آیینی و جایگاه ویژه قدرت سیاسی در ترکیب با فضاها شهری بود.

در بررسی تطور فرم شهر ایرانی، اشکانیان در جایگاهی میان سنت‌های سلطنتی-آیینی هخامنشی و نظم هلنیستی سلوکی قرار داشتند. از هخامنشیان، اشکانیان ایده ساختار نمادین و معماری اقتدارگرا را به‌صورت ضمنی اقتباس کردند، ولی با کاستن از تمرکزگرایی و آیین محوری، آن را در قالب فرم‌هایی تعدیل‌یافته و عملکردی‌تر بازتولید نمودند. الگوی شوش و پاسارگاد که بر ساختار شعاعی، محورهای تشریفاتی و سلسله‌مراتبی تکیه داشت، در شهرهای اشکانی به الگوی چند کانونی، پویاتر و متأثر از شرایط اقلیمی و جغرافیایی تبدیل شد. از سلوکیان، فرم‌های هندسی هلنیستی چون پلان شطرنجی، خیابان‌کشی منظم، و نظم محوری وارد لایه‌هایی از شهرسازی اشکانی شد، اما نه با همان شدت و نظم، بلکه به‌صورت تعدیل‌شده و منطبق بر شرایط محلی، چنان‌که در شهرهایی چون صدرروازه یا بخش‌هایی از مرو و تیسفون دیده می‌شود؛ بنابراین، اشکانیان در فرم شهری خود، نوعی هم‌نشینی خلاق میان هندسه هلنیستی^{۵۰} و فضا‌سازی ایرانی را رقم زدند که حاصل تعامل شناختی با سنت‌ها و اقتضائات محیطی بود. شهرسازی اشکانی در دوره ساسانی به یک نقطه مرجع بنیادین بدل شد. ساختار مدور شهرهای اشکانی، مانند نسا، دارابگرد و هترا که باهدف دفاع، مرکزیت آیینی، و انسجام عملکردی طراحی شده بودند، به‌عنوان قالب‌های موفق در

هترا، واقع در شمال عراق امروزی، نمونه‌ای برجسته از ترکیب معماری نظامی و مذهبی است. این شهر دایره‌ای‌شکل، با دیوارهای ضخیم مدور و برج‌های متعدد، مجموعه‌ای از معابد چندخدایی را در مرکز خود جای داده بود. تنوع آیینی هترا، با معابد مرتبط به آیین‌های زرتشتی، آشوری، هلنی و سامی^{۴۹}، نشانگر تساهل دینی و گفتمان هم‌زیستی مذهبی در فضای شهری است. معماری این شهر ترکیبی است از ستون‌های یونانی، گنبد‌های شرقی و تزئینات ایرانی که بازتاب نگرش باز و تلفیقی اشکانیان در عرصه معماری و شهرسازی است. فرم کلی شهر بر اساس منطق دفاعی و عملکردی طراحی شده بود و فضاها مذهبی با ایوان‌های عمیق و رواق‌های ستون‌دار، هم به اقلیم منطقه پاسخ می‌داد و هم نقش آیینی برجسته‌ای داشت.

مرو، از کانون‌های شرقی امپراتوری در خراسان بزرگ، ساختاری عملکردگرا و منطبق بر نیازهای اقتصادی-تجاری داشت. سازمان فضایی مرو مبتنی بر دسترسی به منابع آب و محورهای اصلی جاده ابریشم بود. بازار، کاروان‌سرا، آب‌انبار و فضاها خدماتی در راستای مسیر تجاری مستقر شده و ساختاری باز، تطبیق‌پذیر و چندمنظوره ایجاد کرده بودند. پلان شعاعی شهر، دیوارهای منظم دفاعی و برج‌های مدافع، ترکیبی از بعد نظامی و عملکردی را نمایان می‌ساخت. ساختار کالبدی مرو، ضمن حفظ نظم دفاعی، پاسخ‌گوی فعالیت‌های آیینی، تجاری و ارتباطی بود و این شهر تا سده‌های بعد نیز به‌عنوان مرکز تداوم شهری در شرق ایران باقی ماند.

در نهایت، تیسفون در بین‌النهرین، به‌عنوان پایتخت غربی اشکانیان و سپس مرکز امپراتوری ساسانی، نمونه‌ای از گذار فضایی از نظم پارتی به نظم متمرکز ساسانی است. ساختار نیمه‌ازگانیک شهر، مسیرهای عملکردی بازار و کاروان‌سرا را پیرامون محورهای اصلی شکل داده بود. کاخ‌های سلطنتی، میدان‌های عمومی و ساختار دفاعی پیچیده، نمایانگر حرکت تدریجی به‌سوی تمرکز و وحدت

50 Hellenistic Geometry

الگوهای هندسی شهرسازی برگرفته از دوره هلنیستی، معمولاً شامل پلان شبکه‌ای و محورهای منظم.

مربوط به گروهی از زبان‌ها و فرهنگ‌ها شامل 49 Semitic عربی، عبری و آرامی.

سازماندهی فضا، در دوره ساسانی اقتباس و تکامل یافتند. فرم‌های مدور با مرکز آیینی-حکومتی هستند که در دوره شهرهایی چون گور (فیروزآباد) و بیشاپور به‌وضوح ادامه اشکانی تثبیت شده بودند.

جدول ۵: تحلیل بینامتنی ساختار فضایی-شهری دوره اشکانی با استفاده از ابعاد شناخت در متن و پیش متن و پسا متن

محور تحلیل	هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ ق.م)	سلوکی (۲۳۰-۲۴۷ ق.م)	اشکانی (۲۲۴ پ.م-۲۴۷ ق.م)	ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ پ.م)
پیش متن	پیش متن	پیش متن	متن	پسا متن
زمینه تاریخی - فرهنگی	شکل‌گیری نظام شاهنشاهی با رویکرد امپراطوری	حکومتی یونانی معاب، رواج فرهنگ یونانی در بستر فرهنگی ایران	تلاش برای احیا هویت ایرانی، فراهم نمودن بستر رشد و پیشرفت دوره بعد	بازگشت به تمرکزگرایی و احیای ارزش‌ها و فرهنگ هخامنشی
جریان فکری -- گفتگویی	ترویج تفکر زرتشتی و پرستش آتش، ارتباط با یونان و مصر و بابل	گفتمان غالب هلنیسم	تساهل و تسامح دینی و رواج ادیان مختلف ارتباط و گفتگمان با (شرق و غرب)	قدرت‌گرفتن دین زرتشتی و مغان، افزایش آتشکده‌ها
نظام فضایی - معماری	فضاهای تشریفاتی، کاخ‌ها و ایوان‌های ستون‌دار، بناها با ابعاد عظیم	معماری به سبک یونانی تلفیق یونانی - هخامنشی	ایجاد سبک مهم پارتی، افزودن دو عنصر مهم به معماری از طریق فیلیوش، استفاده حداکثر از مصالح بومی	پذیرش بستر و سبک پارتی و تلاش برای بهبود و پیشرفت آن و ایجاد سبک پارسی
نمونه‌های شاخص	شهر شوش نماد قدرت و امپراطوری، تأثیرپذیری از تمدن و فرهنگ‌ها مانند بابل و بین‌النهرین و...	شهر سلوکیه مرکز فرهنگی - اقتصادی ترکیب فرهنگ و معماری ایرانی و یونانی	شهر هترا نمونه‌ای از شهرهای مدور این دوره	شهر تیسفون و جندی‌شاپور ایجاد تغییرات در تیسفون ادامه شهرسازی به‌صورت مدور
تصویر	 دالاهو	 خراد ^{۵۱}	 ای مناه ^{۵۲}	 پینترست
تحلیل ساختار شهرها	طراحی پایه نظم هندسی، محورهای تشریفاتی، و ساختار قدرت متمرکز	ورود الگوهای شهرسازی یونانی در سرزمین‌های شرقی	رواج شهرهای مدور به دلیل دفاع و حراست آسان	دستاوردهای فضایی و فرهنگی اشکانیان، بعنوان زیرساخت مستقیم شهرسازی
تعاملات فرهنگی	تبادل فرهنگی با مصر، یونان، بابل	اتبادل فرهنگی با یونان	تأثیر جاده ابریشم بر تبادل فرهنگی با شرق و غرب	تمرکز بیشتر بر مسیر جاده ابریشم
تأثیر جاده‌ها	جاده شاهی: رونق اقتصادی و فرهنگی شهرهایی مانند شوش و...	استفاده از جاده‌ها و مسیرهای دوره هخامنشی	موقعیت جغرافیایی اشکانی در مسیر جاده ابریشم، تأثیر در فرهنگ، اقتصاد، دین، شکل‌گیری شهرها و... داشت	ادامه و پررنگ شدن تأثیر جاده ابریشم و بیشتر شدن شهرها و نقش آن‌ها در این مسیر
نتیجه‌گیری و انتقال به دوره بعد	بنیان قدرت و تفکر امپراطوری، تولد و رشد فرهنگ اصیل، عقلانیت سیاسی	برخورد و تبادل فرهنگ یونانی با شرق، یک‌گذار فرهنگی - سیاسی	تلاش برای از بین بردن تأثیر سلوکی و احیای هویت هخامنشی	پایه‌گذاری تمدنی اصیل که ریشه در تفکر هخامنشی و در بستر فراهم شده توسط اشکانیان دارد.
جمع‌بندی	الگوی جهان‌بینی شاهنشاهی و نظم زرتشتی که مفهوم فضا را با اقتدار سیاسی پیوند می‌داد	این الگو در خدمت نمایش شکوه فرهنگی یونان تا پاسخ‌گویی به نیازهای اقلیمی و بومی ایرانی بود	از هخامنشیان اصل تشریفات، شکوه و نمادگرایی فضایی و از سلوکیان بخش‌هایی از هندسه شهرسازی و تکنیک‌های ساخت‌وساز در قالبی بومی بازآفرینی شد.	نمایانگر بلوغ الگوی فضایی ایران ریشه در اندیشه شاهنشاهی هخامنشی و نهادینه شده در قالب تجربیات اشکانی

۱۰. نتیجه‌گیری

فرایند تطور شهر ایرانی، نه خطی و یکپارچه، بلکه فرایندی پیچیده، پویا و درهم‌تنیده از لایه‌های فضایی، فرهنگی، سیاسی و شناختی بوده است. در این میان، دوره اشکانی نقطه عطفی مفهومی و ساختاری به شمار می‌آید که نه صرفاً حلقه‌ای گذرا، بلکه مرحله‌ای مؤثر در بازتعریف ماهیت فضا، شکل و کارکرد شهر در ایران باستان است.

در ساختار هخامنشی، شهرهایی چون پاسارگاد و شوش بر مبنای نظم هندسی، محورهای تشریفاتی، و ساختار سلطنت محور شکل گرفتند. این ساختارها، به واسطه راه شاهی به‌عنوان بستر تثبیت اقتدار سیاسی و فرهنگی، به الگویی مرکزگرا و آیینی بدل شدند. اما در دوره اشکانی، این منطق جای خود را به سازمانی فضایی داد که با اصول غیرمحورمند، چیدمان لایه‌ای، عملکردگرایی و بومی‌گرایی تعریف می‌شد. شهرهایی چون نسا، هترا، مرو و تیسفون، با ساختاری دفاعی-تجاری و متأثر از تعاملات مذهبی و فرهنگی، در بستری چند کانونی و منعطف گسترش یافتند. تأثیر جاده ابریشم نیز در تبدیل این شهرها به گره‌های بین‌المللی تمدنی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فضایی متکثر اشکانی ایفا کرد.

از هخامنشیان، اشکانیان عناصر نمادین قدرت و کالبد‌های باشکوه را اقتباس کردند، اما با تعدیل آیین محوری و تمرکزگرایی، آن‌ها را در قالب ساختارهایی عملکردی و منطبق با زمینه‌های اقلیمی و فرهنگی بازآفرینی نمودند. از سوی دیگر، الگوهای هلنیستی دوره سلوکی چون خیابان‌کشی منظم و نظم محوری، به طور تعدیل‌شده در بخش‌هایی از شهرهای اشکانی مانند صدرروازه و مرو مشاهده می‌شود که حاصل برخورد خلاقانه و ترکیبی آن‌ها با فرم‌های وارداتی است.

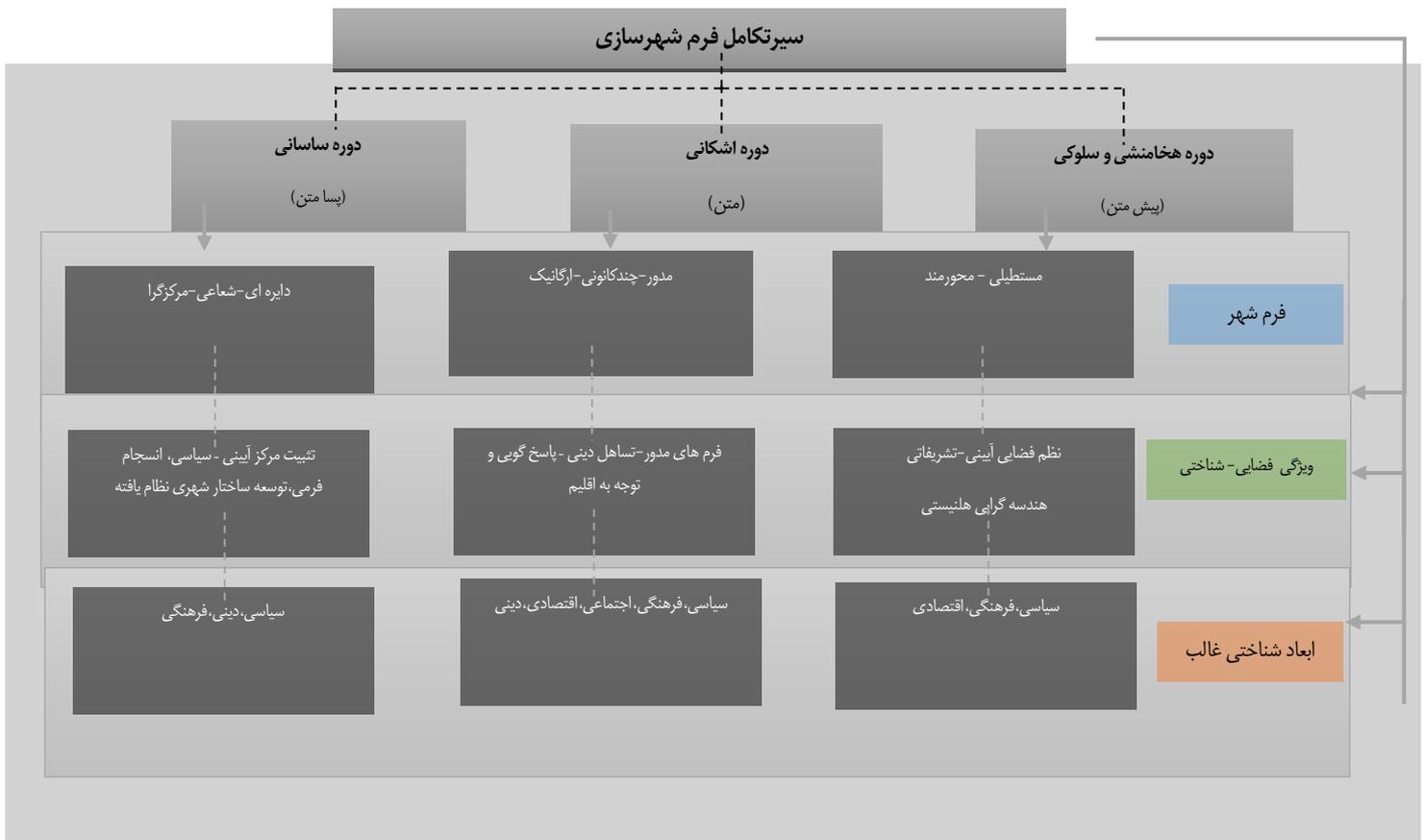
در نهایت، نظام فضایی-معماری اشکانی، در دوره ساسانی تثبیت و نهادینه شد. فرم‌های مدور شهرهای اشکانی - که باهدف دفاع، مرکزیت آیینی و کارکردگرایی طراحی شده بودند - در شهرهای برنامه‌ریزی‌شده ساسانی مانند گور (فیروزآباد)، بیشاپور و تیسفون ادامه یافتند. اما این بار، با انسجام ساختاری و مرکزگرایی حکومتی بیشتری

همراه شدند. بدین‌سان، اشکانیان با خلق مدلی فضایی مبتنی‌تر درهم‌تنیدگی عملکرد، بوم، و گفتمان، نقش میانجی مؤثری میان سنت‌های سلطنتی هخامنشی و سازمان نمادین ساسانی ایفا کردند و به تثبیت هویت فضایی شهر ایرانی یاری رساندند.

بر این مبنای، می‌توان دوره اشکانی را نقطه چرخش در تکوین شهر ایرانی دانست؛ دوره‌ای که در آن، شهر نه فقط به‌مثابه کالبدی فیزیکی، بلکه به‌منزله بستری زنده برای تعاملات فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و اقلیمی شکل گرفت. این چرخش مفهومی در تولید فضا، زمینه‌ساز ظهور فرم‌هایی نوین و فضامند شد.

دوره اشکانی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، نه صرفاً یک مرحله گذار سیاسی یا حلقه‌ای گسسته، بلکه نقطه عطفی در تکوین مفاهیم فضایی، فرمی و هویتی شهر ایرانی به شمار می‌آید. تحلیل بینامتنی ساختار شهرهای اشکانی در نسبت با پیش‌متن‌های هخامنشی و سلوکی، و پسامتن ساسانی، نشان می‌دهد که این دوره به‌صورت فعال و خلاق، در فرایند بازآفرینی فضا و سازمان‌دهی شناختی آن نقش ایفا کرده است.

از پیش‌متن‌ها، اشکانیان عناصر بنیادینی همچون ایوان، ساختار آیینی فضا، و هندسه فضایی هلنیستی را با تعدیل اقلیمی و فرهنگی اقتباس کردند، اما آن‌ها را در بستر بومی‌شده به کار گرفتند که ساختارهای ارگانیک، منطقه‌گرا و چندکانونی را بر محور عملکرد، اقلیم و تعاملات فرهنگی سامان می‌داد. این نوع رویکرد، حاصل نوعی تحول در شناخت از فضا و معماری بود که نه بازتولید گذشته، بلکه تفسیر خلاقانه آن در مواجهه با شرایط جدید بود. در مقام متن، شهرهای اشکانی به‌ویژه نسا، هترا، تیسفون، صدرروازه و مرو، نمونه‌هایی عینی از این الگوی جدید فضایی بودند که در آن فرم مدور، مرکزگرایی تعدیل‌شده، هم‌زیستی آیینی، و ترکیب عملکردهای اقتصادی، مذهبی و دفاعی، ساختار فضایی شهر را شکل می‌دادند. این شکل از شهرسازی، بیش از آنکه نماد قدرت متمرکز باشد، بازتاب مناسبات فرهنگی، تجاری، و حتی دیپلماتیک‌عصر اشکانی بود.



شکل ۱: بینامتنی تکامل فرم شهرسازی باستانی ایران بر پایه ابعاد شناخت

سیر تکامل اندیشه شهرسازی در ایران باستان، از هخامنشی تا ساسانی، نمایانگر یک پیوستار فضایی-فرهنگی است که در آن، ساختارهای شهری نه تنها بازتابی از قدرت سیاسی و نظم کیهانی، بلکه تجسمی از تحولات فکری و تعاملات تمدنی اند. اشکانیان با تلفیق سنت‌های ایرانی و الگوهای یونانی، شکل‌گیری معماری پارتی، و پاسخ به شرایط اقلیمی و اجتماعی، دوره‌ای منحصر به فرد را رقم زدند که هم حافظه فضایی پیشینیان را در خود داشت و هم بستر شکل‌گیری نهادهای شهری آینده در عصر ساسانی شد. از این رو، شناخت‌شناسی ساختارهای شهری-معماری اشکانی، نه فقط به فهم «بینامتنیت تاریخی» شهر ایرانی پیش از اسلام یاری می‌رساند، بلکه جایگاه اشکانیان را به مثابه حلقه‌ای خلاق در زنجیره تکوینی این میراث، تثبیت می‌کند.

در پساتن، ساسانیان با اقتباس از فرم‌های مدور، ایوان دار، و ساختارهای چندکانونی اشکانی، به سوی نوعی انسجام فضایی-ایدئولوژیک گام برداشتند که حاصل تجربه آزموده شده دوره پیشین بود. شهرهایی چون گور، بیشاپور و جندی شاپور، نه صرفاً الگوبرداری، بلکه نهادینه‌سازی میراث فضایی اشکانی در قالبی دولتی و آیینی بودند.

در مجموع، شهرسازی دوره اشکانی را باید مرحله‌ای کلیدی در «پیوستار اندیشه فضایی ایرانی» دانست که در آن، ابعاد شناختی-بینامتنی همچون بعد اقلیمی، مذهبی، سیاسی، و اقتصادی، با یکدیگر درهم‌تنیده شدند تا فرمی از شهر ایرانی پدید آید که هم بومی، هم چندصدایی و هم منعطف باشد. این دوره، نقطه تلاقی تجربه‌های تاریخی، بوم‌شناختی و فرهنگی ایران پیش از اسلام است؛ تجربه‌ای که در دوره ساسانی به صورت ساختاری منسجم و در دوره اسلامی به عنوان الگوی زنده تداوم یافت.

منابع

- افخمی، بهروز، خسروی، زینب، و گلابی، خاطره. (۱۳۹۷). تحلیل ابعاد اجتماعی راه ابریشم در دوره اشکانی بر اساس شواهد باستان‌شناختی و تاریخی. جستارهای تاریخی، ۱۰۸-۸۵، (۲)۹.
- بهرامیان، سجاد. (۱۳۹۹). هترا، پایگاه نظامی و فرهنگی اشکانیان در میان‌رودان. جندی نامشاپور، ۶(۲۳)، ۹۱-۱۰۶.
- بهروزی، مهرناز. (۱۳۹۷). سیاست شهرسازی سلوکیان در سرزمین‌های مفتوحه. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۸(۱۷)، ۱۰۵-۱۲۴.
- رحیمی اتانی، سمیرا، بذرافکن، کاوه، و رئیسی، ایمان. (۱۳۹۷). شیوه نوین خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه بینامتنیت (نمونه موردی: مسجد الغدیر). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۴(۱)، ۵۳-۶۷.
- تکابنی، حمید. (۱۳۹۹). بازشناسی عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر نظام دیوان‌سالاری تاریخی ایران در دوره باستان. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۱(۲)، ۳۱-۵۴.
- جلیلیان، شهرام، نادری، فرشید، و تقی‌پور بیرگانی، زهره. (۱۴۰۱). ساتراپ‌نشین ماد در عصر اشکانی (از خیزش اشکانیان تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم). جستارهای تاریخی، ۱۳(۲)، ۷۵-۹۶.
- خراسانی، ندا، و ساریخانی، مجید. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی هنر اشکانی و ساسانی با استناد به معماری و شهرسازی. نشریه جستارهای باستان‌شناسی، ۶(۲)، ۱۲۳-۱۳۶.
- دیانونکوف، ای. م. (۱۴۰۱). تاریخ ایران باستان (ترجمه روحی ارباب). تهران: علمی و فرهنگی.
- رشتی، بهاره، جمالی، محمدکریم، جدیدی، ناصر، و بوشاسب‌گرشه، فیض‌الله. (۱۴۰۱). بررسی و مقایسه شهرسازی اشکانی و ساسانی با رویکردی به مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۱۲۵-۱۴۶.
- رضازاده، محمد. (۱۴۰۰). تاریخ تطبیقی شهرسازی جهان. تهران: سمت.
- سپهوند، اسماعیل. (۱۴۰۳). عوامل عدم تداوم دولت پارت بر بین‌النهرین و سوریه در زمان ارد اول. مجله تاریخ روایی، ۲۲-۲۳، ۱۶۵-۱۹۱.
- سجادی، حسین. (۱۳۹۵). جغرافیای فرهنگی در معماری. تهران: مرکز پژوهش‌های معماری اسلامی.
- سفر، فواد، و مصطفی، محمدعلی. (۱۴۰۰). هترا، شهر خورشید (ترجمه مهدی برزگر). تهران: ایشتار.
- شریفی، یحیی. (۱۴۰۰). پدیدآمدن شهر صدررازه و ایالت قومس. فرهنگ قومس، ۶۸(۱)، ۱۷-۵۰.
- صدیقی، رویا، پناهی، سیامک، فروتن، منوچهر، و دیباج، سید موسی. (۱۴۰۱). شناخت معماری در تطبیق روش‌شناسی تفسیر و مراتب وجود. نشریه معمار شهر، ۱(۳)، ۱-۱۴.
- طایفه قهرمانی، نسرین. (۱۴۰۰). پژوهشی تاریخی و باستان‌شناسی در روستای استاد با هدف بازشناسی و مکان‌یابی استوئنه باستانی و شهر آساک پارتیان. تاریخ، ۱۷(۶۶)، ۵۲-۶۸.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). نظریه بینامتنیت. تهران: علمی.
- فخاری، مهسا. (۱۳۹۴). بررسی نقش برنامه‌ریزی معماری در بناهای تاریخی با رویکرد توسعه صنعت گردشگری (مطالعه موردی: مجموعه تاریخی تخت سلیمان تکاب). همایش معماری و شهرسازی بومی ایران.
- فرزین، سامان، ظهوریان، مریم، کوهستانی، حسین، و آذرخرداد، فرشته. (۱۴۰۰). تأملی نو بر ساختار حاکمیتی اشکانیان: ملوک‌الطوایفی یا حکومت مرکزی؟ جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۲(۲).
- فرزین، سامان، ظهوریان، مریم، کوهستانی اندرزی، حسین، و آذرخرداد، فرشته. (۱۴۰۰). تأملی نو بر ساختار حاکمیتی اشکانیان؛ ملوک‌الطوایفی یا حکومت مرکزی؟! (با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی). جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۶(۱)، ۲۲۱-۲۱۰. e۱۰۲۲۱.

- Curtis, V. S. (2007). The Parthian Empire and its architecture. In *Encyclopaedia Iranica*.
- Farrokh, K. (2007). The rise of Ctesiphon and the Silk Route. In *Shadows in the desert: Ancient Persia at war*. Osprey Publishing.
- Fowlkes-Childs, B., & Seymour, M. (2019). *The world between empires: Art and identity in the ancient Middle East*. The Metropolitan Museum of Art.
- Gregoratti, L. (2016). Parthian Empire and local governance. *Ancient West & East*, 15(1), 125–144.
- Hansen, V. (2012). *The Silk Road: A new history*. Oxford University Press.
- Hauser, S. (2013). Hatra: Imperial Parthian architecture and religious syncretism. *Iranica Antiqua*, 48(1), 27–50.
- Hauser, S. (2022). Imperial spaces and Parthian urbanism: Transitions to Sasanian city form. *Iranica Antiqua*, 58(1), 33–64.
- Huff, D. (1990). Ctesiphon. In *Encyclopaedia Iranica* (Vol. VI).
- Huff, D. (2008). Parthian and Sasanian architecture. *Encyclopaedia Iranica Online*.
- Keshavarz Rahbar, G. (2024). *Urban development and architectural manifestations of the Parthian period of Iran (3rd century BC–3rd century AD)*.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Blackwell.
- Nabel, J. (2025). *The Arsacids of Rome: Misunderstanding in Roman–Parthian relations*. Pourdavoud Center, UCLA.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*. Rizzoli.
- Overtom, N. (2023). *Reign of arrows: The rise of the Parthian Empire in the Hellenistic Middle East*. Oxford University Press.
- Papadopoulos, A. (2021). From pluralism to centralization: Urban strategies in Parthian and Sasanian cities. *Ancient Iranian Studies*, 12(2), 101–127.
- Pourshariati, P. (2008). *Decline and fall of the Sasanian Empire*. I.B. Tauris.
- Rezakhani, K. (2017). *ReOrienting the Sasanians: East Iran in late antiquity*. Edinburgh University Press.
- Rivolta, G. (2021). Caravanserais and urban mobility on the Parthian Silk Road. *Journal of Ancient Iranian Architecture*, 6(2), 89–106.
- قاسمی‌نیا، مازیار، سلطان‌زاده، حسین، و رئیس، ایمان. (۱۴۰۱). بینامعماری: تبیین روابط میان یک اثر معماری با آثار دیگر بر پایه رویکرد بینامتنیت. نامه معماری و شهرسازی، ۱۴(۳۴)، ۲۵–۴۴.
- کامرانی‌فر، احمد، مصطفوی، راضیه، و طاهری‌نسب، حسین. (۱۳۹۷). اعتقادات دینی پادشاهان اشکانی با تکیه بر منابع موجود (کتیبه‌ها و سکه‌ها). رهیافت تاریخی، ۲۴(۱)، ۷۱–۸۶.
- گرشاسبی، اشکان. (۱۳۹۹). جایگاه و نقش ملات گچ در معماری دوره اشکانی از منظر فنی و تحولات سبک‌شناختی.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۴۰۰). نظریه بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم. تهران: نشر سخن.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). معرفت و امر قدسی (ترجمه انشاءالله رحمتی). تهران: نشر حکمت.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۲). تمدن اسلامی و بازتاب آن در هنر و معماری (ترجمه احمدرضا جواهری). تهران: انتشارات سروش.
- نظری، داریوش. (۱۳۹۸). دین ایران در دوران اشکانیان. پارسه، ۳۱(۱)، ۱۱۵–۱۳۶.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۴). گذری بر معماری و شهرسازی ایران در دوره اشکانی. دانش مرمت و میراث فرهنگی، ۳(۵)، ۱۵–۳۲.
- وکیلی، شهرام. (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی شاهنشاهی اشکانی. تهران: شورآفرین.
- Samore, I. (2024). *Religious building, culture, spatiality: New urban narrations between semiotics and an intercultural application of law*. Springer.
- Bohrer, F. N. (2020). Cultural continuity and urban transition in ancient Iran. *Journal of Historical Architecture*, 9(3), 45–68.
- Boyce, M. (1979). *Zoroastrians: Their religious beliefs and practices*. Routledge.
- Hansen, V. (2020). *The Silk Road: A new history with documents*. Oxford University Press.

وبسایتهای

- MySafar. (n.d.). *Persepolis*. MySafar Magazine. <https://www.mysafar.com>
- Wikipedia contributors. (n.d.). *Royal Road*. Wikipedia (Persian edition). <https://fa.wikipedia.org>
- Dalahoo News. (n.d.). *Historical report*. <https://dalahoo.com>
- Bartarinha. (n.d.). *Nisa: A Parthian city in Turkmenistan*. <https://www.bartarinha.ir>
- Wikipedia contributors. (n.d.). *Hatra*. Wikipedia. <https://en.wikipedia.org>
- Wikipedia contributors. (n.d.). *Ctesiphon*. Wikipedia (Persian edition). <https://fa.wikipedia.org>
- Kherada. (n.d.). *Historical architecture image archive*. <https://kherada.com>
- EAMENA Project. (n.d.). *Hatra (Iraq) and EAMENA*. <https://eamena.org>
- Sarianidi, V. (2002). *Margiana and Merv: Two centres of the eastern Parthian world*. Ancient East Series.
- Schlude, J. M., & Rubin, B. B. (Eds.). (2017). *Arsacids, Romans, and local elites: Cross-cultural interactions of the Parthian Empire*. Oxbow Books.
- Stevens, M. (2022). Cultural synthesis in Parthian urbanism: Reframing Hellenistic influence. *Journal of Ancient Urban Studies*, 14(3), 101–122.
- Stronach, D. (1990). The city in the Parthian period. In *Cities of the ancient Near East*.
- Wieshöfer, J. (2001). *Ancient Persia: From 550 BC to 650 AD*. I.B. Tauris.
- Wilkinson, C. K. (2014). *Nisa and Ctesiphon: Twin capitals of the Parthian Empire*. British Museum Papers.
- Yazdani, H., & Borhani, A. (2023). Silk Road networks and functional morphology of Parthian cities. *Iranian Journal of Historical Geography*, 8(2), 59–78.